

ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه رضایت زناشویی و رابطه مؤلفه‌های آن با سبک‌های دلبستگی

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۳۱

دکتر حسن احدی*
دکتر حیدرعلی هومن**
دکتر شیرین کوشکی***
مهدی شاه‌نظری****

چکیده

هدف عمده پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه رضایت زناشویی و هم‌چنین ارتباط مؤلفه‌های آن با سبک‌های دلبستگی میباشد. تعداد ۵۰۰ نفر از افراد متاهل ساکن شهر تهران که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۳) و سبک‌های دلبستگی بزرگسالان تجدید نظر شده (۱۹۹۰) را تکمیل نمودند و داده‌ها به روش تحلیل عاملی به شیوه چرخش متمایل از نوع آبلیمین مستقیم پنج عامل (حل تعارض، روابط جنسی، تساوی حقوق، خانواده و دوستان و مدیریت مالی) را نشان می‌دهد که مجموعاً ۴۸.۱۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. آلفای کرونباخ در کل پرسشنامه ۰.۹۲۲ است. همچنین رضایت زناشویی به طور کلی رابطه منفی معناداری با سبک دلبستگی اضطرابی نشان داده و رابطه مثبت معناداری با سبک دلبستگی نزدیکی نشان داده است. حل تعارض، رابطه جنسی و تساوی نقش با سبک دلبستگی اضطرابی رابطه منفی معنادار داشته و حل تعارض و تساوی نقش با سبک دلبستگی نزدیکی رابطه مثبت معنادار داشته است. نتایج به دست آمده با تحقیقات پیشین هماهنگ بوده و با توجه به روایی و پایایی پرسشنامه می‌توان از آن در محیط‌های پژوهشی و خانوادگی جهت سنجش میزان رضایت زناشویی از آن استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، روان‌سنجی، تحلیل عاملی، سبک‌های دلبستگی

sh.kooshki@ianctb.ir.com

* استاد گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی
** دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
*** استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
**** دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



مقدمه

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی و به واسطه قرار داشتن در یک محیط اجتماعی در ارتباطات تعاملی شامل روابط دوستی، عشقی و خانوادگی شرکت دارد (اوزترک و مالتو، ۲۰۱۰). در این میان، خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چراکه یکی از عناصر اصلی جامعه محسوب می گردد و دستیابی به یک جامعه امن مستلزم داشتن خانواده های امن است. یک خانواده سالم اعضایی را شامل می شود که از سلامت روانی و روابط مطلوب با یکدیگر برخوردار هستند. بنابراین سلامت اعضای خانواده و روابط آن ها تاثیرات مثبتی بر جامعه خواهد داشت (شاکر، حشمتی و پوررحیمی، ۲۰۱۰).

از آنجایی که خانواده با ازدواج آغاز می شود و بنیان اصلی خانواده را زن و شوهر می سازند، بنابراین روابط بین آن ها بسیار مهم است. مهم ترین موضوع در ازدواج و شروع یک خانواده، آرامشی است که افراد از این رابطه به دست می آورند. ولی متأسفانه آمارها نشان داده اند که حدود دو سوم ازدواج ها در سطح جهان منجر به طلاق می شوند (لیتزینگر و کوپ گاردن، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده اند که از عوامل مهم ایجاد کننده بسیاری از بیماری ها و کژکاری های روانی می توان به ازدواج های متأثر از استرس و تعارضات مخرب زناشویی اشاره کرد، این در حالی است که موفقیت زناشویی با سلامت بیش تر و طول عمر بیش تر پیوند خورده است (لیتزینگر و کوپ گاردن، ۲۰۰۵). لذا برای محققین تعیین عوامل اصلی مرتبط با اضمحلال زناشویی یا موفقیت زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است (لیتزینگر و کوپ گاردن، ۲۰۰۵).

طبق تعریف ارائه شده توسط وینچ (حسین خانزاده و نیازی، ۲۰۱۱)، رضایت زناشویی همخوانی بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. بدین ترتیب، رضایت زناشویی فقط زمانی به دست می آید که وضعیت جاری فرد در روابط زناشویی با آن چه که او توقع دارد، مطابقت داشته باشد. در تعریف دیگری به چندین جنبه از رضایت زناشویی اشاره می شود که می توان به مواردی مثل احساسات مثبت، رضایت جنسی، دوست داشتن، خانه داری، توافق در امور اقتصادی و تربیت فرزندان اشاره نمود (حسین خانزاده و نیازی، ۲۰۱۱). ایس (به نقل از سلیمی و همکاران، ۱۳۸۷) رضایت زناشویی را نشأت گرفته از احساساتی می داند که با خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر در ارتباط باشد. همچنین از نظر فردی، تفکر نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد و بی تفاوتی طرفین به علائق و تفکرات یک دیگر موجب کاهش رضایت زناشویی و ایجاد دل سردی می شود. رضایت زناشویی به عنوان یکی از مهمترین مولفه های ثبات عاطفی زوجین به حساب می آید (فیشر و مک نالتی، ۲۰۰۸). تاثیر کیفیت ازدواج و روابط همسران در خانواده، بر سلامت جسمانی و روانی موفقیت و سازگاری روانی - اجتماعی آنان در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی همواره مورد تایید واقع شده است (دام و همکاران، ۲۰۰۱). باتوجه به آنچه بیان گردید در اهمیت بررسی سازه رضایت زناشویی شکی نیست. از این رو در پژوهش حاضر ویژگی های روان سنجی پرسشنامه رضایت زناشویی در جمعیتی ۵۰۰ نفری مورد بررسی قرار گرفت.

برای سنجش رضایت زناشویی از پرسشنامه های متعددی استفاده می گردد که یکی از پر استفاده ترین آن ها پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (اولسون، فورنیر و دراگمن، ۱۹۸۲) می باشد. از این پرسشنامه به عنوان یک ابزار معتبر در پژوهش های متنوعی برای سنجش رضایت زناشویی استفاده شده است (بخشایش و مرتضوی، ۲۰۱۰). اولسون و اولسون (۱۹۹۷؛ نقل از بخشایش و مرتضوی، ۲۰۱۰) که از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی

استفاده نمودند، معتقدند این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد مربوط است و همچنین در این خصوص به تغییراتی که در خانواده رخ می دهد، حساس است. هر یک از موضوعات این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون یک رابطه زناشویی می تواند مشکلات بالقوه زوج ها را توصیف یا می تواند زمینه های نیرومندی و تقویت آن ها را مشخص کند. همچنین می تواند به عنوان یک ابزار تخصصی برای زوج هایی استفاده شود که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی شان هستند. این پرسشنامه از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده که شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و بچه ها، بستگان و دوستان، نقش های مربوط به برابر ی زن و مرد و جهت گیری عقیدتی است (پوردهقان و محمدی، ۱۳۸۷).

یکی از عوامل مهمی که در سال های اخیر به آن توجه شده است و بر روی رضایت زناشویی تاثیر به سزایی دارد، سبکهای دلبستگی است که نتیجه تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می تواند روابط وی را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد (سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۸). طرفداران نظریه دلبستگی توجه زیادی به این مورد داشته اند. به بیان فوگل (۱۹۹۷) دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین کوشش می کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه پیدا می کند. به اعتقاد بالبی (۱۹۶۹)، دلبستگی که بر اثر رابطه والد- کودک در ابتدای زندگی شکل می گیرد، نگهدارنده ی نزدیکی متقابل دو فرد در تمام مراحل زندگی است. تحقیقات نیز نشان می دهند که کیفیت رابطه والد- کودک در دوران کودکی در تحول الگوهای عملی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی نیز تحت تاثیر همین الگوهای عملی قرار می گیرد (فینی و نولر، ۱۹۹۰).

بررسی های صورت گرفته در مورد ویژگی های افراد متعلق به سبک های مختلف دلبستگی و تاثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و رابطه با همسر موید آن است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج هستند، به طوری که احساس آسودگی در روابط و فقدان ترس از طرد شدن نشان دهنده دلبستگی ایمن است (رابین و اولین، ۱۹۹۸).

از آنجایی که بزرگسالان ایمن، همسرانی را انتخاب می کنند که تاریخچه دلبستگی ایمن داشته اند، بنابراین راه حل های آنها برای عدم توافقه سودمندتر بوده و روابط و زندگی زناشویی آنها رضایت بخش تر و پایدار تر بوده (فینی، ۱۹۹۵؛ هیل، یانگ و نورد، ۲۰۰۱) و احساس عشق بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. برخی از تحقیقات تأیید کرده اند مردانی که قبل از ازدواج احساس آسودگی بیشتری در روابط خود داشته اند، بعد از ازدواج رضایت زناشویی بالاتری را گزارش کرده اند (به نقل از رابین و اولین، ۱۹۹۸). پژوهش های حاکی از آنند که افراد ایمن روابط سالم تری در بزرگسالی دارند (وکرولی و داویلاس، ۱۹۹۸) در روابط خود پایدار هستند و رضایت بالاتری دارند (فینی و نولر، ۱۹۹۰). در مقابل افراد نایمن در بزرگسالی سطح پایینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می دهند (سیمپسون، ۱۹۹۰). تعدادی از پژوهش ها تاثیر سبک دلبستگی زوجین را در کیفیت روابط زناشویی تأیید کرده اند. بر طبق این پژوهش ها زن دو سو گرا با شوهر اجتنابی پایین ترین حد رضایت زناشویی را گزارش کرده اند (به نقل

از فینی و نولر، ۱۹۹۰). همچنین همسران افراد ایمن، رضایت بالاتری را گزارش می کنند (وایت وی، ۲۰۰۱). این همسران عشق و علاقه بیشتری را نسبت به یکدیگر نشان می دهند (وولینگ و همکاران، ۱۹۹۸).

پیستول (۱۹۸۹) سبک دلبستگی را در ارتباط با حل تعارض و رضایت در روابط مورد بررسی قرارداد. نتایج پژوهش های وی موید آن بود که آزمودنی هایی که دلبسته ایمن بودند سطوح بالایی از رضایت در روابط را نشان دادند، همچنین نسبت به دلبستگی های اجتنابی و دو سو گرا راهبردهای یکپارچه تر و مصالحه آ میزتری در حل تعارضات اتخاذ می کنند. سیمپسون و همکاران (۱۹۹۸) رابطه بین سبک های دلبستگی، حمایت دهی و حمایت خواهی را در تعارضات زوجین نشان دادند. آنها دریافتند که مردان ایمن، حمایت بیشتری ارائه می کنند در حالی که مردان دلبسته اجتنابی چنین حمایتی را نشان نمی دهند. همچنین زنان دلبسته ایمن حمایت بیشتری را نسبت به زنان دلبسته اجتنابی طلب می کنند. پژوهش های دیگری وجود کنش های مراقبتی را بین زوج هایی با سبک های دلبستگی متفاوت نشان دادند و نتایج این پژوهش ها نشان می دهد زوج های ایمن مراقبت بیشتری در تعاملات زوجی خود نسبت به همسرانشان نشان می دهند و زوج های ایمن که مراقبت بیشتری دریافت می کنند رضایت بیشتری از زندگی خود احساس می کنند (فیفی، ۱۹۹۶).

عجی و خانجانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود دریافتند که سبک های مختلف دلبستگی از لحاظ میزان رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد. افراد ایمن چه مرد و چه زن، رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سبک های دیگر دارند و در زوج هایی که هر دو سبک دلبستگی ایمن دارند، رضایت زناشویی بالاتر از زوج هایی است که یکی از هر دو این (اجتنابی و دو سو گرا) هستند. همچنین زمانی که سبک دلبستگی زن و شوهر متجانس است، نمره هر دو ایمن، نمره دو اجتنابی از هر دو سو گرا هستند، رضایت زناشویی آنها بالاتر از زوج هایی است که سبک دلبستگی نامتجانس دارند. پایین ترین رضایت زناشویی مربوط به زوج هایی بود که یکی از آنها سبک دلبستگی اجتنابی و دیگری سبک دلبستگی دو سو گرا داشت. در کل، مردان نسبت به زنان رضایت زناشویی بالاتری داشتند. رجایی، نئی و صدیقی (۱۳۸۶) نئی در بررسی رابطه سبک های مختلف دلبستگی و رضایت زناشویی به یک همبستگی مثبت معنادار بین رضایت زناشویی و سبک دلبستگی ایمن و یک همبستگی منفی معنادار بین رضایت زناشویی و سبک های دلبستگی اجتنابی و دو سو گرا دست یافتند. نئی زنان و مردان از نظر رضایت زناشویی تفاوتی وجود نداشت.

اوزترک و ماتلو (۲۰۱۰). در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به دو سبک دلبستگی دیگر، سطوح بهزیستی ذهنی و خرسندی از رابطه بالاتر و سطح اضطراب اجتماعی پایین تر است. شاکر، همی و پور رحیمی (۲۰۱۰) دریافتند که سطح سازگاری زناشویی در سبک دلبستگی اضطرابی از دو سبک دیگر بیشتر و در سبک دلبستگی اجتنابی از دو سبک دیگر کمتر است. سطح سازگاری زناشویی در افراد با سبک دلبستگی ایمن نیمی از دو سطح قرار دارد. آلتون، و ترزی (۲۰۱۰) نتیجه گرفتند که رابطه منفی بین سبک دلبستگی ایمن و نشانه های افسردگی وجود دارد که توسط رضایت زناشویی از رابطه میانجی می شود. همچنین مراقبت از رابطه نیمی از ارتباط مثبت بین سبک دلبستگی دو سو گرا جهت جستجوگری در محیط (بالبی، ۱۹۸۸؛ کرک پاتریک، ۱۹۹۹؛ نقل از همان منبع) می دانند.

در این پژوهش علاوه بر بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه رضایت زناشویی به بررسی ارتباط مؤلفه های آن با سبک های دلبستگی پرداخته شده است.

روش

جامعه آماری روش نمونه گیری و حجم نمونه : جامعه آماری این پژوهش را کلیه کلیه افراد متاهل دارای تحصیلات بالای دیپلم ساکن شهر تهران تشکیل می دهند، که از میان آن ها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله ای تعداد ۵۰۰ نفر انتخاب شد. علت انتخاب این تعداد حجم نمونه این است که مطابق با پیشنهاد لیندمن، مرندا و گلد (۱۹۸۰؛ به نقل از هومن ۱۳۸۵) حجم گروه نمونه در مطالعات رگرسیون و همبستگی دست کم باید ۱۰۰ نفر باشد. از آنجایی که در مطالعه حاضر روابط متعددی اعم از مستقیم و غیرمستقیم مدنظر قرار داشت و همچنین جهت افزایش اعتبار بیرونی تحقیق و کاهش عوامل مزاحم، حجم نمونه وسیع تر در نظر گرفته شد و تعداد ۵۰۰ نفر به عنوان حجم گروه نمونه انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه گیری

پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ : در پژوهش حاضر از پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد (اولسون، فورنیر و دراکمن ، ۱۹۸۲). این پرسشنامه شامل مؤلفه ای مختلفی از جمله : تحریف آرمانگرایانه، رضایت زناشویی، زمینهای شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، فعالیت تفریحی، رابطه جنسی، خانواده و دوستان، مدیریت مالی، تساوی نقشها، و گرایشهای مذهبی می باشد. انریچ در سال ۱۹۸۲ توسط اولسون، فورنیر و دراکمن ساخته شد و به عنوان پرسشنامه ای برای نشان دادن پویایی های زناشویی در تحقیقات گسترش یافت . این تست برای زوج های ازدواج کردهای که نیاز به غنی سازی رابطه خود داشتند نیز مورد استفاده قرار گرفته است (اولسون، فورنیر و دراکمن، ۱۹۸۲).

ودزیای (۱۹۹۷، به نقل از اولسون، فورنیر و دراکمن ، ۱۹۸۲)، به منظور تعیین اعتبار و روایی انریچ، آنرا در مطالعاتی که شامل ۱۷۶ نفر بود اجرا کرد. اعتبار آزمون به طریق پایایی آزمون-بازآزمون از ۰/۹۷ برای زیر مقیاس جهت گیری مذهبی-درک زندگی تا ۰/۶۵ برای زیر مقیاس رضایت زناشویی متغیر بود . همچنین بالاترین همسانی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ متعلق به زیر مقیاس تحریف آرمان گرایانه با مقدار ۰/۹۷ و پایین ترین ضریب متعلق به زیر مقیاس خانواده و دوستان با مقدار ۰/۶۹ گزارش شدند. در ایران، در پژوهش مهدویان (۱۹۹۷؛ به نقل از بهاورنیا، ۲۰۰۹) ضریب همبستگی پیرسون در روش آزمون-باز آزمون (به مدت یک هفته) برای گروه مردان ۰/۹۳ و برای گروه زنان ۰/۹۴ به دست آمد.

مقیاس سبک های دلبستگی بزرگسالان (تجدید نظر شده): این مقیاس ابتدا در سال ۱۹۹۰ توسط کالینز و رید تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت . مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می دهد، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می کنند . این پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس است : وابستگی که میزان اطمینان و تکیه کردن به آزمودنی به دیگران را نشان می دهد، نزدیکی که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می سنجد، و اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می دهد . به هر یک از زیر مقیاس ها ۶ عبارت اختصاص یافته است. زیر مقیاس نزدیکی عبارات: ۱۷، ۱۴، ۱۰، ۹، ۱، ۸، زیر مقیاس وابستگی عبارات: ۳، ۴، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۷، و زیر مقیاس اضطراب عبارات: ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳. در عبارات ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۶، ۱۷، و ۱۸ نمره گذاری به صورت

معکوس انجام می شود. برای به دست آورد نمرات مربوط به هر زیر مقیاس، امتیاز عبارات مربوط به آن را با هم جمع کرده و بر تعداد عبارات (۶) تقسیم می کنیم. آزمودنی ها بر اساس نتایج به دست آمده در یکی از سه گروه دارای سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی قرار می گیرند.

سبک دلبستگی ایمن: افرادی که امتیاز آنها در زیر مقیاس نزدیکی و وابستگی بالاتر از متوسط و در زیر مقیاس اضطراب کمتر از متوسط است. سبک دلبستگی اضطرابی: افرادی که امتیاز آنها در زیر مقیاس اضطراب بالاتر از متوسط و در زیر مقیاس های نزدیکی و وابستگی متوسط است. سبک دلبستگی اجتنابی: افرادی که امتیاز آنها در هر سه زیر مقیاس پایین است.

ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. کالینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D)، اضطراب (A) در فاصله زمانی دو ماه و حتی هشت ماه پایدار ماندند. با توجه به این که ضریب آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بزرگتر از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده بالاست. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش باز آزمایی به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی با فاصله زمانی یک ماه نشان داد که تفاوت بین دو اجرای مقیاس ها معنادار نبوده و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است. همبستگی بین نتایج دو اجرا نشان داد که زیر مقیاس A قابل اعتمادترین ($r = 0.75$)، زیر مقیاس C در مرحله بعد ($r = 0.57$)، و زیر مقیاس D کمترین قابلیت اعتماد ($r = 0.28$) را دارد. با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص شد که زیر مقیاس A بیشترین قابلیت اعتماد (0.74)، و وابستگی D (کمترین قابلیت اعتماد 0.28) را دارد. قابلیت اعتماد C در حد متوسط (0.52) است که این نتایج با نتایج حاصل از بازآزمایی هماهنگ است (حمیدی، ۱۳۸۶).

روش اجرا: پس از انتخاب نمونه مورد نظر، پرسشنامه های پژوهش توسط پژوهشگر در اختیار آنان قرار خ گرفت. پس از ارائه توضیحات لازم در خصوص چگونگی تکمیل پرسشنامه ها، در زمان مقرر پرسشنامه ها دریافت گردید. داده های به دست آمده از پرسشنامه ها با روشهای آماری مناسب و لازم، توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

تحلیل داده ها: پژوهش حاضر از نوع طرح تحقیق همبستگی است و برای تحلیل عوامل از روش تحلیل عاملی به شیوهی چرخش متمایل از نوع آبلیمین مستقیم استفاده شده است. در این تحقیق از تحلیل عامل اکتشافی که یک فن یا تکنیک برای بررسی ساختار مجموعه ای از داده ها است که چندین پیش مفهوم در مورد اکتشاف عوامل یک پرسشنامه دارد، استفاده شده است. با استفاده از این شیوه برای انتخاب عامل یا عامل ها از دو شاخص استفاده شد:

- ملاک کایزر (۱۹۶۱) که مشخص می کند که فقط عامل های با مقادیر ویژه بیشتر از یک را چرخش بدهیم.
- آزمون اسکری (۱۹۶۶) که یک روش در خصوص تصمیم گیری در مورد نقطه ی برش برای انتخاب عامل ها است.

در این تحقیق عامل های استخراج شده بر اساس چارچوب نظری پرسشنامه و آزمون اسکری بوده است. سرانجام برای بررسی ارتباط بین عامل ها با سبک های دلبستگی از آزمون همبستگی استفاده شده است.

یافته ها

نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که در این تست مقدار آلفای کرونباخ برای سؤال برابر با ۰.۹۲۲ می باشد و هم چنین در تحلیل عاملی هیچ سئوالی از مجموع سؤال ها حذف نشد . در این تحقیق جهت بررسی پیش فرض کرویت (بررسی ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیر ها در جامعه) از آزمون کرویت بارتلت (۱۹۵۰) استفاده شد. همچنین برای بررسی کفایت نمونه و مناسب بودن داده های جمع آوری شده برای تحلیل عاملی از آزمون کایزر (۱۹۶۱) یا KMO استفاده شد، که نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. آزمون کرویت بارتلت و کمو (KMO)

آزمون کرویت بارتلت		آزمون KMO	
P	Df	مجذور کای	کفایت نمونه
۰.۰۰۱	۱۰۸۱	۱۳۱۳۵.۰۴۳	۰.۸۹

یافته های جدول (۱) نشان داد که شاخص ($KMO=0.89$) می باشد و مقدار مجذور کای محاسبه شده برای آزمون کرویت بارتلت (۱۳۱۳۵.۰۴۳) به دست آمده که در سطح آماری ($P > 0.001$) معنی دار می باشند. یعنی فرض واحد بودن ماتریس همبستگی رد شد و داده ها برای انجام تحلیل عاملی و حجم نمونه کفایت می کند. آزمون اسکری که تعداد تقریبی عامل ها را پیش نه اد می کند نشان داد که پنج عامل قابل استخراج است . به دلیل همبستگی مثبت عوامل تحلیل عوامل داده ها با روش چرخش متمایل انجام شد . نتایج چرخش متمایل نشان داد که پنج عامل حل تعارض ، رابطه ی جنسی، تساوی نقش ها، خانواده و دوستان و مدیریت مالی وجود دارند که در کل ۴۸.۱۶ درصد واریانس را تبیین می کنند. جدول (۲) بار عاملی هریک از عوامل را نشان می دهد.

عامل اول شامل ماده های ۱۴، ۲۲، ۴۲، ۴۷، ۴۳، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳۰، ۲۳، ۴، ۱، ۱۳، ۳۵، ۲۲، ۳۱، ۳۸، ۴۶، ۱۶، عامل دوم شامل ماده های ۱۷، ۴۴، ۱۰، ۲۵، ۲۹، ۳۶، ۳۳، ۳۴، ۹، عامل سوم شامل ماده های ۲۸، ۳۰، ۳۹، ۲۱، ۱۹، ۴۵، ۳۷، ۱۱، عامل چهارم شامل ماده های ۲۴، ۲۶، ۲۰، و عامل پنجم شامل ماده های ۱۵، ۱۸ بود.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی ماده ها

عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵
بار ماده	بار ماده	بار ماده	بار ماده	بار ماده
۰.۷۹۲	-۰.۷۰۱	۰.۷۵۷	۰.۷۰۰	۰.۷۳۸
۰.۷۸۸	-۰.۷۰۰	۰.۷۲۴	۰.۵۸۴	۰.۶۵۴
۰.۷۸۵	-۰.۶۷۹	۰.۶۸۶	۰.۵۲۸	۰.۴۰۷
۰.۷۸۲	-۰.۶۲۵	۰.۶۵۰	۰.۴۵۸	
۰.۷۷۵	-۰.۶۰۹	۰.۶۲۳	-	
۰.۷۷۴	-۰.۵۸۲	۰.۵۹۳	-	
۰.۷۴۲	-۰.۵۵۸	۰.۵۹۲	-	

۴	.723	۲۹	-445	۴۵	.486	-	-
۲۳	.711	۲۵	-414	-	-	-	-
۳	.703	۵	-364	-	-	-	-
۷	.688	-	-	-	-	-	-
۳۲	.687	-	-	-	-	-	-
۲۷	.683	-	-	-	-	-	-
۴۳	.664	-	-	-	-	--	-
۴۷	.646	-	-	-	-	-	-
۱۶	.643	-	-	-	-	-	-
۴۶	.641	-	-	-	-	-	-
۳۸	.602	-	-	-	-	-	--
۳۱	.578	-	-	-	-	-	-
۲۲	.544	-	-	-	-	-	-

همانطور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است عامل حل تعارض با مقدار ویژه ۱۴.۳۹۴، معادل ۳۰.۳۶۲ درصد واریانس کل را تبیین می کند. که بیشترین مشارکت را در تبیین واریانس پرسشنامه فوق بر عهده دارد و عامل مدیریت مالی با مقدار ویژه ۱.۷۹۷، معادل ۳.۸۲۴ درصد واریانس کل را پیش بینی می کند که کمترین میزان مشارکت را در تبیین واریانس پرسشنامه فوق بر عهده دارد. در این تحلیل میزان واریانس مشترک بین متغیرها برای پنج عامل بر روی هم برابر با ۴۸.۱۶۱ درصد کل واریانس را تبیین می کند.

عامل ها	مقدار ویژه (آیگن)	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	14.394	30.626	30.626
۲	2.485	5.286	35.912
۳	2.037	4.335	40.247
۴	1.922	4.089	44.336
۵	1.797	3.824	48.161

دیگر یافته این پژوهش مربوط به بررسی همبستگی عامل های رضایت زناشویی با سبک های دلبستگی است. همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود رضایت زنا شویی به طور کلی با سبک دلبستگی اضطرابی همبستگی (-۰.۲۴۷) در سطح معنی داری ($P > 0.001$) داشته و با سبک دلبستگی نزدیکی میزان همبستگی (۰.۱۱۳) در سطح معنی داری ($p > 0.05$) را نشان داده است. همان طور که در این جدول ملاحظه می شود حل تعارض بیشترین همبستگی منفی را با سبک دلبستگی اضطرابی داشته و تساوی نقش ها بیشترین همبستگی مثبت را با سبک دلبستگی نزدیکی داشته است. هم چنین عامل های رابطه جنسی و تساوی نقش ها نیز رابطه منفی معنی داری با سبک دلبستگی اضطرابی داشته اند.

جدول شماره ۴. ضرایب همبستگی بین عاملهای رضایت زناشویی و سبک های دلبستگی

عامل ها	سبک های	دلبستگی	
	اضطراب	نزدیکی	وابستگی
حل تعارض	-.287**	.095*	.076
رابطه جنسی	-.095*	.074	.060
تساوی نقش ها	-.112*	.134**	.067
خانواده و دوستان	-.058	.022	.012
مدیریت مالی	-.069	-.036	-.014
کل	-.247**	.113*	.082

**p > .001 *p > .05

بحث

همانگونه که قبلاً بیان شد هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه رضایت زناشویی و ارتباط عامل های آن با سبک های دلبستگی بود. ساختار عاملی به دست آمده در نمونه با استفاده از چرخش متمایل (آبلیمین) نشان داد که در این پرسشنامه ۵ عامل (حل تعارض، رابطه جنسی، تساوی نقش ها، خانواده و دوستان و مدیریت مالی) قابل استخراج است. با توجه به یافته های پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای ۴۶ سؤال ۰.۹۲۲ به دست آمده که نشانگر اعتبار بسیار بالای آزمون می باشد. سلیمانیان (۱۳۷۳) نیز برای تعیین روایی و اعتبار این پرسشنامه پس از ترجمه، پرسش های آن را به رؤیت متخصصان رسانید، بدین ترتیب روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله بعد پرسشنامه را در یک گروه ۱۱ نفری اجرا و ضریب اعتبار آن را از طریق آلفا محاسبه کرد که عدد ۰.۹۳ به دست آمد. با توجه به زیاد بودن پرسش های پرسشنامه (۱۱۵ ماده) که موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی ها می شد، تصمیم بر این شد که نسخه کوتاهی از آن تهیه شود. برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از پرسش ها با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس پرسش هایی که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند به تعداد مساوی از خرده مقیاس های مختلف پرسشنامه انتخاب و در مجموع ۴۷ ماده برگزیده شد. مجدداً ضریب اعتبار نسخه ۴۷ سؤالی با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید که ۰.۹۵ بود که نشان دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه می باشد (نقل از بخشایش و مرتضوی، ۲۰۱۰). در پژوهش مهدویان ضریب همبستگی پیرسون در روش بازآزمایی (به فاصله یک هفته) برای گروه مردان ۰/۹۳۷ و برای گروه زنان ۰/۹۴۴ و برای گروه مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمد. ضریب آلفای پرسشنامه ۴۷ سؤالی در پژوهش میر خشتی ۰/۹۲ به دست آمد (نقل از تیمورپور، مشتاق بیدختی و پورشهباز، ۱۳۸۹). در پژوهش تیمورپور، مشتاق بیدختی و پورشهباز (۱۳۸۹) نیز ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۹۶ به دست آمد که نشان دهنده همسانی درونی بالای آزمون می باشد. ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مؤلفه های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مؤلفه های رضایت از زندگی است که نشانه روایی سازه آن است. کلیه خرده مقیاس های پرسشنامه زوج های راضی و ناراضی را متمایز می کند و این نشان می دهد که این پرسشنامه از روایی ملاکی خوبی برخوردار است. به عبارت دیگر با توجه به ویژگی های فرهنگی - مذهبی جامعه ایرانی به نظر میرسد استفاده از این تست در بررسی میزان رضایت زناشویی

بسیار مناسب است. با توجه به تحلیل عاملی می توان به این یافته توجه کرد که حل تعارض بالاترین سهم را در میزان رضایت زناشویی دارد. از دیگر سو این یافته ها یا یافته های پژوهش های قبلی نیز همخوانی دارد (به عنوان مثال بورلسن و دنتن، ۱۹۹۲؛ کارنی و برادبوری، ۱۹۹۵؛ شکر کن، ۱۳۸۵ و...). با توجه به این یافته می توان به تاثیر آموزش مهارت های حل تعارض در افزایش رضایت زناشویی امید داشت.

از دیگر یافته های این پژوهش می توان به ارتباط بین عامل های رضایت زناشویی با سبک دلبستگی اشاره کرد. پژوهش ها نشان داده اند که که بزرگسالان ایمن، همسرانی را انتخاب می کنند که تاریخچه دلبستگی ایمن داشته اند، بنابراین راه حلهای آنها برای عدم توافقهها سودمندتر بوده و روابط و زندگی زناشویی آنها رضایت بخش تر و پایدار تر بوده (فینی، ۱۹۹۵؛ هیل، یانگ و نورد، ۲۰۰۱) و احساس عشق بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. یافته های حاصل از این پژوهش نیز همخوان با پژوهش های قبلی بوده و نشان داده که حل تعارض در روابط زناشویی همبستگی بالایی با سبک دلبستگی دارد. در واقع افراد نا ایمن در حل تعارض، رابطه جنسی و تساوی نقش ها ضعیف تر از افراد ایمن عمل می کنند.

به طور کلی با توجه به یافته های پژوهش حاضر می توان گفت پرسشنامه رضایت زناشویی با جهت گیری مذهبی از اعتبار بالایی برخوردار بوده و استفاده از آن برای جامعه ایرانی بسیار مناسب می باشد. از طرفی پنج عامل به دست آمده از تحلیل عاملی تقریباً نیمی از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می کند. هم چنین توانایی حل تعارض افراد بیشترین سهم را در پیش بینی واریانس رضایت زناشویی دارد. با توجه به این یافته می توان پیشنهاد کرد که تحقیقات آتی به بررسی آموزش این مهارت و تاثیر آن بر افزایش میزان رضایت زناشویی بپردازند. ضمناً بررسی آموزش مهارت برقراری ارتباط جنسی مؤثر و افزایش میزان رضایت زناشویی نیز می تواند به عنوان موضوع پژوهش های آتی پیشنهاد شود.

منابع

- بشارت، محمود (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک های دلبستگی بلمشکلات زناشویی در زوجین نابارور. فصلنامه تازه های روان درمانی، ۱۲ و ۱۹، ۵۶-۵۵.
- پوردهقان، محمد؛ محمدی، شهناز و محمودنیا، علیرضا (۱۳۸۷). رابطه بین عزت نفس و رضایت زناشویی معلمان مدارس راهنمایی. فصلنامه روانشناسی کاربردی. (۴): ۷۰۱-۷۰۲.
- تیمورپور، نگار؛ مشتاق بیدختی، نهاله؛ و پورشهباز، عباس (۱۳۸۹). رابطه سبک های دلبستگی، رضایتمندی زناشویی و احساس گناه جنسی با میل جنسی در زنان. مجله روان شناسی بالینی. سال دوم، شماره ۳ (پیاپی ۷).
- حافظی، فریبا، و جامعی نژاد (۱۳۸۸). رابطه بین عشق، عاطفه مثبت، عاطفه منفی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان شرکت ملی حفاری خوزستان. یافته های نو در روان شناسی، ۴ (۱۰)، ۴۱-۵۲.
- حمیدی فریده (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده پژوهی، ۹.
- رجایی، علیرضا، نیری، مهدی، و صداقتی، شیرین (۱۳۸۶). سبکهای مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۳ (۱۲)، ۳۵۶-۳۴۷.
- سلیمی، سید حسین؛ آزاد مرزابادی، اسفندیار؛ امیری، ماندانا؛ و تقوی، سید محمد رضا (۱۳۸۷). ابعاد رضایت زناشویی در همسران جانباز. اندیشه های نوین تربیتی، ۴ (۴)، ۷۲-۵۵.
- سلیمانیان، علی. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی [پایان نامه کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه تربیت معلم
- شکرکن، حسین، حبسته مهر، رضا، عطاری، یوسفعلی، حقیقی، جمال، و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۵). بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، بیکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی به عنوان پیشبینی های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز. مجله علوم تربیت و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳ (۱)، ۳۰-۱.
- عیدی، رقیه، خانجانی، زینب (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک های مختلف دلبستگی. فصلنامه علمی پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز، ۱ (۳ و ۲)، ۱۹۱-۱۶۵.
- یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدید نظر شده پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱ (۲)، ۲۰۰-۱۸۳.
- Alton, M & Terzi, S. (2010). How does attachment styles relate to intimate relationship to aggravate the depressive symptoms? Procedia Social and Behavioral Sciences. ۱۰۱۵-۱۰۰۸، ۲.
- Bakhshayesh, A. R. & Mortazavi, M. (2010). The relationship between sexual satisfaction, general health and marital satisfaction in couples. Journal of Applied Psychology. Vol. 3 No.4 (12), 73-85
- Bonanno, A. G., Dekel, S., Fazzari, A.D. & Fraley, C.R. (2006). Attachment and psychological adaptation in high exposure survivors of the September 11th attack on the world trade center. Personality and Social Psychology Bulletin, 32 (4), 538-551.

- Bowlby, J. (1969).** Attachment and Loss: Vol 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980).** Attachment and Loss: Vol 3. Loss: Sadness and depression. New York: Basic Books.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990).** Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644 - 663.
- Dum, J. Davies, L. C., & Ocnner. (2001).** Family lives and friendships: The perspectives of children in step-single-parent and non-step families. *Journal of Family Psychology*, 15, 272-287.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990).** Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281- 291.
- Feeney, J. A. (1995).** Adult attachment and relationship-centered anxiety: Responses to Physical and emotional distancing. In J.A. Simpson & W. S. Rholes (eds.), *attachment theory and close relationships* (pp. 189-218). New York: Guilford.
- Fisher, T. D., & McNulty, J. K. (2008).** Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. *Journal of Family Psychology*, 22,112-122.
- Fogle, A. (1997).** *Infancy: Infant, Family and society*. New York: West publishing company, M.P.
- Hill, E. M., Young, J. P., & Nord, J. L. (2001).** Childhood adversity, attachment security, and adult relationships: A preliminary study. *Etiology and Sociobiology*. 15, 323- 338.
- Hosseinkhanzadeh, A.A., & Niyazi, E. (2011).** Investigate relationships between Religious orientation with public health and marital satisfaction among married students of University of Tehran. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 505–509.
- Kirkpatrick, L. A. & Shaver, P. R. (1992).** An Attachment-Theoretical Approach to Romantic Love and Religious Belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*,18(3), 266-275.
- Litzinger, S. & CoopGordan, K. (2005).** Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital therapy*, 31(5), 409-424.
- Öztürk, A. & Multu, T. (2010).** The relationship between attachment styles, subjective Well-being, happiness and social anxiety among university students. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9, 1772–1776.
- Olson, D. H., Fournier, D. G. & Druckman, J. M. (1983).** PREPARE/ENRICH Counselor’s Manual. PREPARE/ENRICH, Inc., P.O. Box 190, Minneapolis, MN 55458
- Pistol, M.C. (1989).** Attachment in adult romantic relationship: style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of social and personal relationship*, 6, 505-510.
- Robyn, A.P. & Evelyn, D.S. (1998).** Attachment and marital adjustment. *Changing families, challenging futures*, 6th Australian Institute of Family studies conference Melbourne.
- Shaker, A., Heshmati, R. & PoorRahimi, M. (2010).** Investigation of Marital adjustment in people with secure, preoccupied, dismissing and fearful attachment styles. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1823–1826.

- **Simpson, J. A., Rholes, W.S. & Nelligan, G. S. (1998).** Attachment theory and close relationship. New York: Guilford Press.
- **Volling, B., Brend, L., Notaro, P.C. & Larsen, J. (1998).** Adult attachment style: Relationship with emotional wellbeing and parenting. Family Relation, 4, 135.
- **Wekerle, C. & Davilas, A.W. (1998).** The role of child maltreatment and attachment style in adolescent relationship violence. Development and Psychology, 10, 511-586.
- **Whiteway, M. (2001).** Adult attachment style and their relationship to marital satisfaction in couples in first marriage of seven (7) years or longer. Submitted in partial fulfillment of the Requirement of the degree of Doctorat of Philosophy. Seton Hall University.

